گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۲۶۷۶
چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۰ ۷:۵۰

# سرعت پیشروی طالبان در افغانستان از کجا آب می خورد؟

یک تحلیل‌گر مسائل افغانستان با بیان این که گروه طالبان به هیچ وجه یک دست و یکپارچه نیست، گفت: بخش بزرگی از بدنه طالبان را پشتون های قبایل جنوب افغانستان تشکیل می‌دهد، از همین رو نیاز است تا دولت افغانستان و کشور های منطقه این گروه را به عنوان بخشی از واقعیت جامعه افغانستان بپذیرند و تلاش کنند یک نظم سیاسی منصفانه در افغانستان برقرار گردد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، محمد رضا صفری در گفت‌وگویی مورد آخرین تحولات افغانستان و تشدید درگیری‌ها در این کشور اظهار کرد : پس از سقوط دولت داوود خان در افغانستان و روی کار آمدن کمونیست ها در کابل، جنگ داخلی در این کشور آغاز گشت و تا به امروز این میراث شوم گریبان مردم افغانستان را گرفته است. بحرانی که امروزه جامعه افغانستان به آن گرفتار است دارای دو بعد داخلی و بیرونی است که هر یک به نحوی در تداوم بحران داخلی افغانستان موثراست.

در بعد داخلی نزاع قومیتی و تضاد گفتمانی میان سنت و تجدد و در بعد بیرونی رقابت های منطقه ی میان همسایگان و کشورهای قدرتمند در تداوم بحران کنونی نقش داشته است. شایان ذکر است که گفته شود بعد داخلی عامل اصلی و بعد بیرونی نقش کاتالیزور را در تداوم جنگ داخلی افغانستان ایفا می‌کند.

وی با بیان این که در چند هفته اخیر طالبان توانستند حدود ۱۷۰ شهرستان را به تسخیر خود در بیاورند که این پیشروی طالبان چند علت دارد، افزود : مهم ترین دلیل پیشروی سریع طالبان، عدم وجود ساختار یکپارچه قدرت است این عامل به این معنا است که فرایند ساخت دولت در افغانستان تکامل نیافته است و دولت مرکزی و بروکراسی آن در برابر بحران های سیاسی توانایی تصمیم‌گیری واحد و یک پارچه را ندارد.

به گزارش وزارت داخله افغانستان بسیاری از شهرستان ها بدون هیچ درگیری به طالبان واگذار شدند که این خود نشان می‌دهد سیستم بروکراسی توانایی تصمیم گیری برای مقابله با این بحران را ندارد. عامل دیگری که در پیشروی طالبان تاثیر گذاشته است، تلاش طالبان برای ایجاد وزنه سیاسی در مذاکرات صلح برای خود است.

با خروج نیرو های آمریکایی طالبان تمام سعی خود را می‌کنند که با پیشروی و گرفتن مناطق بیشتر بتوانند در میز مذاکره دولت مرکزی را در شرایط ضعف قرار بدهند.یکی از دلایل مهم دیگر همکاری های پشت پرده برخی رهبران سیاسی و نمایندگان مجلس با طالبان برای سقوط شهرستان ها بوده است.

این تحلیل گر مسائل افغانستان در خصوص این موضوع که آیا طالبان دارای پایگاه اجتماعی هستند یا خیر؟، تصریح کرد : باید نخست بیان شود که گروه طالبان به هیچ وجه یک دست و یکپارچه نیستند.

امروزه در افغانستان در بدنه طالبان، طالبان پاکستانی،طالبان تاجیکستانی،طالبان آسیای مرکزی،طالبان عرب تبار و... حضوردارند که هر کدام دارای تضاد با یکدیگر هستند. اما طالبان افغانستانی در میان قوم پشتون دارای پایگاه قدرتمند اجتماعی هستند که به علت نزاع قومی و نزاع گفتمانی میان سنت و تجدد علیه نظم سیاسی حاکم شورش می‌کنند، اما در بعد کلی گروه طالبان در افغانستان دارای مقبولیت نیست چرا که مردم افغانستان دارای تجربه تاریخی از امارت اسلامی طالبان هستند که به نوعی این دوره، تجربه ی تلخ برای مردم افغانستان خصوصا برای اقلیت های قومی و مذهبی بشمار می‌رود.

خیزش های مردمی که در نقاط مختلف افغانستان علیه گروه طالبان ایجاد گشته است دلیلی است که نشان می‌دهد این گروه و گفتمان فکری آن دارای منفوریت است.

وی در بخشی دیگر از صحبت های خود اظهار کرد: تجربه ی تاریخچه جنگ های داخلی در افغانستان نشان داده است که در جامعه افغانستان، ما شاهد گروه پیروز نخواهیم بود که علت های مختلفی دارد و اگر گروهی بتواند بر شهر ها حاکمیت پیدا کند این حاکمیت کوتا مدت خواهد بود، از این رو می توان گفت که دولت مرکزی و طالبان توانایی حذف یکدیگر را ندارند و می بایست از راه گفت‌وگو و مذاکره به این بحران پایان داد.

برای پایان بحران افغانستان نیاز است تا نخست در بعد داخلی گروه های مختلف سیاسی و طالبان به این نتیجه برسند که تداوم جنگ راه حل نیست و در بعد بیرونی باید یک اجماع منطقه ای برای پایان بحران افغانستان ایجاد گردد چرا که بحران افغانستان بسیار متاثر از بازی های منطقه ی است.

در بعد بیرونی نیاز است تا کشور های منطقه به این نتیجه برسند که حاکمیت رادیکالیستی طالبان برای افق امنیتی منطقه به خصوص برای امنیت ایران و روسیه خطرناک خواهد بود.

صفری با بیان این که همان طور که گفتم در گروه طالبان افراد نظامی از شاخه های مختلف القاعده حضور پر رنگ دارند، افزود: اما در بعد کلی نقش طالبان افغانستانی بسیار با اهمیت تر است و بخش بزرگی از بدنه طالبان را پشتون های قبایل جنوب افغانستان تشکیل می دهد، از همین رو نیاز است تا دولت افغانستان و کشور های منطقه این گروه را به عنوان بخشی از واقعیت جامعه افغانستان بپذیرند و تلاش کنند یک نظم سیاسی منصفانه در افغانستان برقرار گردد، یعنی دستاورد های بیست ساله اخیر مردم افغانستان و ارزش های نهفته در نظام سیاسی دموکراسی مانند حقوق زنان، آزادی بیان، انتخابات و.... حفظ شود و از سوی دیگر به بخش سنتی جامعه افغانستان و خواسته های آن توجه گردد که برای رسیدن به این مقصد نیاز است تا ساختار قدرت سیاسی در افغانستان و کشور های منطقه یک پارچه عمل کنند.